روزنه

باقی: روحانی «هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی» را احیا کند

● **جماران:** عمادالدین باقی، فعال حقوق بشر، درباره تحلیل خود از انتخابات ۲۹ اردیبهشت گفت: رأی مردم در این انتخابات نشان داد نمی‌توان به ایران و به سربازگیری از لشکر فقرا و توده‌های محروم طمع کرد.

او در بخش دیگر سخنانش ادامه داد: باید به این نکته هم توجه کرد که احیای «هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی» که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی جزء اختیارات و تکالیف رئیس‌جمهور است، باید انجام شود. این هیئت در زمان دولت آقای خاتمی تشکیل شد و آقای احمدی‌نژاد آن را در همان آغاز کار خود، منحل کرد و در اواخر دولتش فقط با انگیزه‌های سیاسی و جدلی، به فکر افتاد دوباره به آن برگردد.

باقی افزود: همچنین رفع بخشی از مسائل حقوق‌بشری بر عهده دیگران است. باید محققان و مجتهدان درباره مسائلی مانند موسیقی، کتاب، اعدام و سایر مجازات‌ها تحقیق و اجتهاد کنند و مسائل را حل کنند تا دست دولت هم بازتر شود. افراد و نهادهای مدنی هم نباید همه چیز را از دولت انتظار داشته باشند و باید به سهم خود برای پیشبرد حقوق بشر تلاش کنند و هزینه بدهند.

او اضافه کرد: این واقعیت که هروقت مردم آمده‌اند، جناح راست شکست خورده است، باعث شده اصولگرایان به‌جای اینکه دلیل عدم اقبال مردم را درک و حل کنند، به این نتیجه برسند که از راه دموکراسی و صندوق رأی، شانس‌شان کمتر است؛ بنابراین یا دنبال سنگ‌انداختن و به‌شکست‌کشاندن و بی‌اعتبارکردن دولت برمی‌آیند تا نشان دهند اگر مردم به آنها رأی ندهند، اجازه نخواهند داد دولت دلخواه آنها کار کند؛ چنانکه در زمان خاتمی و دور اول روحانی عمل کردند تا مردم مأیوس شده و با مکانیسم رأی‌دادن قهر کنند؛ یا می‌کوشند بازی را برهم بزنند. در همه مواردی که اصلاح‌طلبان توانسته‌اند موفق شوند، به خاطر حضور جامعه مدنی بوده است. در ایران جامعه مدنی همواره تحت فشار بوده؛ اما جامعه مدنی در ایران ریشه دوانده و معدوم‌شدنی نیست و خود را در انتخابات نشان می‌دهد.

یادداشتی از سعید حجاریان

۹ دستاورد دوم خرداد

شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه در انتهای مقدمه گلستان می‌فرماید: «در این مدت که ما را وقت خوش بود؛ ز هجرت ششصدوپنجاه‌وشش بود». من نیز به اقتفای وی می‌گویم: در این مدت که ما را وقت خوش بود، هزاروسیصدوهفتادوشش بود.

اما چرا می‌گویم که دوم خرداد ۷۶ برای من باعث خوشنودی و خوش‌وقتی است؟ با اینکه از آن رخداد ۲۰ سال می‌گذرد و بیش از ۱۷ سال آن را زمین‌گیر بوده و عملا در حصر خانگی به سر برده‌ام؛ اما گمان دارم دوم خرداد ارزش آن را دارد که در تاریخ سیاسی معاصر ایران، به‌عنوان نقطه‌عطفی برای تحولات بعدی برجسته شود. من اعتقاد دارم این رخداد تاریخ جمهوری اسلامی را به بعد و قبل از خود تقسیم کرده است که در ادامه دلایل خود را برای اثبات این مدعا ارائه می‌کنم تا که قبول افتد و چه در نظر آید.

۱) انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ اولین انتخابات رقابتی در جمهوری اسلامی بوده است. تا پیش از آن، انتخابات بیشتر جنبه مشارکتی داشت؛ یعنی تلاش بر این بود که مردم هرچه بیشتر پای صندوق‌های رأی بروند و در صحنه حضور داشته باشند. اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری با حذف جلال‌الدین فارسی عملا از رقابت تهی شد و آمدن حسن حبیبی به‌عنوان کاندیدای ذخیره حزب جمهوری نیز نتوانست این ضعف را مرتفع کند و فقط در محدوده استان کرمان بود که اندک رقابتی میان دریادار مدنی و بنی‌صدر درگرفت؛ اما به هر صورت رقابت ملی نشد. در آن دوره، بنی‌صدر از نردبان مشروعیت امام بالا رفت و نزدیک به ۱۱ میلیون رأی کسب کرد و هنگامی که امام این نردبان را از زیر پایش کشید، به‌سادگی رفتن یک کدخدا از ده، از ایران رفت. از آن پس دیگر رقابتی ندیدیم و حتی در بعضی ادوار، رقبای کاندیدای اصلی، علنا از وی حمایت کرده و پول تبلیغات‌شان را نیز از وی می‌ستاندند. در انتخابات دوره ششم هم رقابتی میان آیت‌الله هاشمی و احمد توکلی درگرفت؛ ولی باز هم رقابت ملی نشد؛ توکلی با شعار تغییر به صحنه آمد و توانست رأی اکثریت مناطق کردنشین را به خود اختصاص دهد و این در حالی بود که در شهر خودش (بهشهر)، همچون دیگر شهرها، عرصه را به رقیب واگذار کرد. ولی انتخابات دوره هفتم ریاست‌جمهوری، نقطه انقطاع این روند است؛ به‌نحوی که رقابتی کامل را در سطح ملی شاهد هستیم و همین رقابت بود که افزایش مشارکت را در پی داشت. فی‌الواقع اگر بنا بود کار به روال سابق پیش برود، مشارکت میل به نزول داشت؛ اما رقابتی‌شدن، باعث شد مشارکت نیز بالا رود. این روند در ادوار بعد نیز ادامه یافت و رقابت در عرصه انتخابات ایران نهادینه شد و از این روست که می‌گویم دوم خرداد ۷۶ خط فاصلی میان ماقبل و بعدش کشیده است.

۲) در انتخابات دوم خرداد همه ارگان‌های رسمی عملا سمت یکی از کاندیداها ایستادند که با تورق جراید وقت و غور در آرشیو صداوسیما می‌توان جزئیات آن را مشاهده کرد. ولی نکته آنجا بود که مردم با مشاهده همه آن موارد، طرف دیگر ایستادند و به خاتمی رأی دادند؛ روندی که در ادوار بعد نیز تداوم یافت. البته من احتمال می‌دهم رقیب آقای خاتمی شخصا راضی به این همه حمایت نبود؛ چراکه وی به طور غریزی احساس کرده بود این همه حمایتِ بیجا به ضررش تمام خواهد شد.

۳) دوم خرداد یک نوع گذار بود؛ گذار از گفتمان خط دهه اول انقلاب به گفتمان اصلاحات. به بیان بهتر، نیروهای خط امامی در مقابل موج توفنده مردم نگاهی دوباره به آثار امام کردند و قرائت جدیدی از امام به دست دادند که با گفتمانی که بعدا به «اصلاحات» مشهور شد، انطباق بیشتری داشت. فی‌الواقع در خرداد ۷۶ نوعی چرخش گفتمانی رخ داد که اکنون که به قفا می‌نگرم، می‌توانم بگویم اکثر نیروهای سیاسی ناچار شدند در داخل میدان گفتمانی جدید بازی کنند. این چرخش و مصادیق آن را به‌وضوح در ادبیات و کنش‌های نیروهای جناح راست می‌توان مشاهده کرد؛ چنان‌که می‌بینیم برخی اصطلاحات و مفاهیم مانند مردم‌سالاری و... به گفته‌های آنان ورود کرد و برخی نیروهای عملگرا که مرزبندی مشخصی با هنر و سبک زندگی نوین داشتند، عطای جزم‌گرایی را به لقایش بخشیدند و وارد وادی هنر و فیلم‌سازی شدند.

۴) هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری فراتر از یک انتخاب معمولی بود؛ به‌طوری‌که رهبری نیز آن را حماسه نامید و این امر دلیلی نداشت جز جنبشی‌شدن انتخابات. فی‌الواقع از دو خرداد جز دولتی رسمی، یک جنبش اجتماعی متولد شد؛ جنبشی رنگارنگ که در آن زنان، دانشجویان، فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران و... پیشتاز بودند که این الگو نیز در ادوار بعد به سیاقی دیگر تکرار شد. انتخابات ۸۴ جنبش تهی‌دستان - شهری، انتخابات ۸۸ جنبش سبز و انتخابات ۹۲ جنبش مدنی.

۵) از دیگر دستاوردهای دوم خرداد ۷۶، تقدم آزادی بر نان بود. چنان‌که می‌دانیم رئیس دولت اصلاحات وعده دگرگونی اقتصاد را نداد و از توسعه سیاسی سخن گفت و مردم نیز وعده‌های سیاسی او را خریدند و دریافتند مادامی‌که مسئله سیاست رفع نشود، دغدغه نان برطرف نمی‌شود. آن زمان برای پروژه سازندگی عاقبت خوشی پیش‌بینی نمی‌شد و سرانجام آن در هاله‌ای از ابهام قرار داشت و به همین دلیل هم بود که تعدیل جای خود را به تثبیت داده بود. پروژه خاتمی به‌معنای عبور از پروژه هاشمی نبود؛ چراکه او نیرویی ایجاد کرد و پروژه هاشمی را به نحو دیگری به جریان انداخت. خاتمی درواقع وارث دو رفرم بود؛ رفرم دینی و رفرمِ اقتصادی و او با سخن از رفرم سیاسی، هر دو اینها را زنده کَرد.

۶) رئیس‌جمهور برآمده از دوم خرداد، چه در ایام تبلیغات و چه در ایام ریاست‌جمهوری‌اش، دوگانه‌هایی مانند فقیر/ غنی، شیعه/ سنی و... را کنار گذاشت و از کرامت و حرمت شهروند سخن گفت. مقوله‌ای که در ادوار قبل، کم‌رنگ بود و از دل همین سنخ موضوعات، بحث ضرورت گفت‌وگو به میان آمد که ماحصل آن در داخل، شکل‌گرفتن الگوی شهروند پرسشگر/دولت پاسخ‌گو و در خارج گفت‌وگوی تمدن‌ها بود.

۷) انتخابات دوم خرداد ۷۶، نقطه فصل تحریم و بی‌تفاوتی نسبت به صندوق رأی بود. در بررسی آمار ادوار شش‌گانه پیش از دوم خرداد با جمعیتی از تحریمی‌ها مواجه می‌شویم که خاتمی با حضورش آنان را با صندوق آشتی داد. البته این عمل به مذاق دشمنان جمهوری اسلامی خوش نیامد. گروه‌هک‌هایی همچون منافقین (مجاهدین خلق) معتقد بودند روند بی‌تفاوتی به انتخابات، جمهوری اسلامی را به سراشیبی سقوط می‌کشاند، ولی دوم خرداد خط بطلان بر این‌گونه تحلیل‌ها کشید و به همین علت هم بود که مسعود رجوی رهبر این گروه برای نخستین‌بار، از «فتنه خاتمی» سخن گفت که دوام جمهوری اسلامی را تضمین کرده است.

۸) یکی دیگر از نتایج دوم خرداد، تغییر در گروه‌های مرجع بود. تا پیش از آن مقطع، مراجع و ائمه‌جمعه به‌عنوان گروه‌های مرجع جامعه شناخته می‌شدند، ولی از آن تاریخ به بعد هنرمندان، فیلم‌سازان و روزنامه‌نگاران نیز به‌جد پای به عرصه اجتماع گذاشتند؛ چنانکه می‌بینیم در انتخابات مجلس ششم لیست روزنامه‌نگاران تهران منتشر می‌شود و به مجلس هم راه پیدا می‌کند. این روند تا به امروز ادامه داشته و شاهد هستیم که اجزای گروه‌های مرجع جدید هریک در قامت کنشگر سیاسی-اجتماعی به صحنه ورود می‌کنند و به سهم خود بر فضا تأثیر می‌گذارند. البته دو گروه مرجع پیشین و پسین تفاوت‌هایی نیز دارند که مهم‌ترین آنها را می‌توان با «گذار از تکلیف به حق» توضیح داد. سنتی‌ها، تکلیف‌مدار بوده و هستند و همواره مؤمنان را به رأی‌دادن و حضور مناسکی دعوت کرده و می‌کنند ولی مدرن‌ها، حق‌مدار بوده و هستند و حقوق شهروندی را ملاک و مبنای کنش‌هایشان قرار داده و می‌دهند و از حضور مشروط سخن گفته و می‌گویند.

۹) آخرین دستاورد دوم خرداد صحه‌گذاشتن بر این گزاره بود که «انتخابات در ایران همواره دوقطبی است و خط سومی وجود ندارد». همان‌طور که می‌دانیم در تاریخ سیاسی ایران همواره گروه‌هایی حضور داشتند که می‌خواستند با سخن و طرح نو خود را به‌عنوان جریان سوم معرفی کنند. این طرز تفکر در ابتدای انقلاب نیز نمایندگانی داشت به‌نحوی که می‌خواستند در میان دوگانه لیبرال/مکتبی نقش‌آفرینی کنند. مصداق این سنخ جریانات در دوم خرداد «جمعیت دفاع از ارزش‌ها» بود که پیش از انتخابات شکل گرفت و پس از شکست دود شد و به هوا رفت و به‌این‌ترتیب باز هم ثابت شد خط سه جایی در ایران ندارد؛ چنانکه یکی از چهره‌های اصولگرایان نیز گفته بود: «اگر می‌خواهید از گلوله‌خوردن مصون بمانید، هیچ‌گاه روی یال کوه راه نروید».

منبع: جماران

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● برای ترمیم اتاقکی حدود ۲۰ متر از نوع بافت واقعا فرسوده و قدیمی با سازه‌ای از خشت و گِل در محدوده اسلامشهر از تابستان گذشته اقدام به تهیه مقدمات و ملزومات و تشکیل پرونده کرده‌ام. امروز که اوایل خرداد است، هنوز اندر خم کاغذبازی و بوروکراسی پیچیده اداری و استعلامات مختلف از جمله ثبت هستم که ثبت به لحاظ قرارداشتن زیر نظر قوه قضائیه جواب‌گوی نامه شهرداری نیست؛ در نتیجه باید نامه‌نگاری به طریقی دیگر اعمال شود. در این مدت طولانی هر روزی که این دور باطل را طی می‌کنم، باید شش اتوبوس سوار و پیاده شوم و دو پل هوایی را هرکدام با ۹۰ پله بالا و پایین بروم و آخرسر دست از پا درازتر به خانه برگردم. در انتها به این نتیجه رسیده‌ام که اگر روزی در این مسیر دچار حادثه‌ای شوم و جان به جان‌آفرین تسلیم کنم، عواملی مثل آلودگی هوا و محیط زیست یا ریزگردها یا سکته قلبی و مغزی یا برخورد با کامیون را باعث آن ندانید؛ الا سیستم قرون وسطایی و به‌شدت ناکارآمد اداری که بازمانده دوران ماضی است و همچنان در همه زاویای ادارات ما رایج و فعال است.

م.آفرین

● **نان ضخیم گران:** در محله ما واقع در خیابان پیروزی، خیابان شکوفه، جنب کوچه رازی، نانوایی سنگکی است که نان مرغوب و باکیفیت به مشتریان می‌فروشد، اما در کوچه رازی، نانوایی سنگک دیگری است که نان بدون کیفیت و با کناره‌های ضخیم می‌پزد و به فروش می‌رساند که مشتریان کمتری هم نسبت به نانوایی اولی دارد. چرا مسئولان اتحادیه نانوایان یا تعزیرات به تخلف نانوایان رسیدگی نمی‌کنند. مردم با گران‌شدن قیمت نان انتظار دارند نان باکیفیت تهیه کنند.

ملینا

● **سنگ پای لنگ:** سنگفرش برخی خیابان‌های تهران را که باعث مشکلات فراوانی برای مردم شده است، تا کی باید تحمل کرد؟

علی مختاری از تهران

● **نارضایتی از یک طرح:** بسیاری از شهروندان تهرانی از طرح شهرداری برای سنگفرش میدان بهارستان ناراضی‌اند و تقاضای آسفالت این محل را دارند. از اعضای شورای شهر تقاضا داریم این موضوع را پیگیری کنند.

محمد کارگر از تهران